

فهرست

۷

مروری بر قواعد عربی دوره ی اول متوسطه

۱۱

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

۲۳

الدَّرْسُ الثَّانِي | الْمَوْاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

۳۶

سؤالات امتحان میان نوبت اول

۳۹

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ | مَطَرُ السَّمَكِ

۵۲

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

۶۵

سؤالات امتحان نوبت اول

۶۸

الدَّرْسُ الْخَامِسُ | هَذَا خَلَقَ اللَّهُ

۸۳

الدَّرْسُ السَّادِسُ | ذُو الْقَرْنَيْنِ

۹۷

سؤالات امتحان میان نوبت دوم

۱۰۰

الدَّرْسُ السَّابِعُ | يَا مَنْ فِي الْبَحْرِ عَجَائِبُهُ

۱۱۸

الدَّرْسُ الثَّامِنُ | صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارْسِيِّ


۱۳۴


سؤالات امتحان نوبت دوم


مروری بر قواعد عربی دوره‌ی اول متوسطه

فعل و انواع آن


فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در زمان گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.


فعل ماضی: انجام کاری یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته نشان می‌دهد.  ذَهَبْتُ: رفتم / ذَهَبْتَ: رفتی / ذَهَبْتُمْ: رفتی

فعل مضارع: نشانگر انجام کار یا داشتن حالتی در زمان حال و آینده است.  أَذْهَبُ: می‌روم / تَذْهَبُ: می‌روی / تَذْهَبِينَ: می‌روی

فعل منفي: فعل ماضی با «ما» و فعل مضارع با «لا» منفي می‌شود.  مَا ذَهَبْتُ: نرفتم / لَا أَذْهَبُ: نمی‌روم

فعل مستقبل (آینده): با افزودن «س» یا «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود و فقط بر زمان آینده دلالت می‌کند.

 سَأَذْهَبُ: خواهم رفت / سَتَذْهَبُ: خواهی رفت / سَتَذْهَبِينَ: خواهی رفت

فعل امر: فعلی است که انجام دادن کاری را از مخاطب می‌خواهد.  اِذْهَبْ، اِذْهَبِي، اِذْهَبُوا / اِذْهَبِي، اِذْهَبِي، اِذْهَبِي: بروید


فعل نهی: فعلی است که مخاطب را از انجام کاری باز می‌دارد.  لَا تَذْهَبْ، لَا تَذْهَبِي، لَا تَذْهَبُوا / لَا تَذْهَبِي، لَا تَذْهَبِي، لَا تَذْهَبِي: نروید

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی و ترجمه‌ی آن‌ها بیشتر آشنا شویم:

نام صیغه‌ها به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	كَتَبْتُ: نوشتم	أَكْتُبُ: می‌نویسم		
دوم شخص مفرد	تو	كَتَبْتَ: نوشتی	تَكْتُبُ: می‌نویسی	اُكْتُبْ: بنویس	لا تَكْتُبْ: ننویس
سوم شخص مفرد	او	كَتَبَ: نوشت	يَكْتُبُ: می‌نویسد		
اول شخص جمع	ما	كَتَبْنَا: نوشتیم	نَكْتُبُ: می‌نویسیم		
دوم شخص جمع	شما	كَتَبْتُمْ: نوشتید	تَكْتُبُونَ: می‌نویسید	اُكْتُبُوا: بنویسید	لا تَكْتُبُوا: ننویسید
سوم شخص جمع	ایشان	كَتَبُوا: نوشتند	يَكْتُبُونَ: می‌نویسند		
		كَتَبْنَ: نوشتند	يَكْتُبْنَ: می‌نویسند		
		كَتَبُوا: نوشتند	يَكْتُبُوا: می‌نویسند		
		كَتَبْنَا: نوشتند	تَكْتُبَانِ: می‌نویسند		

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص و اشیا به کار می‌رود.

اسم مذکر: هر اسمی که بر جنس نر دلالت کند، مذکر است. اسم‌های غیرانسان هم که نشانه‌ی «ة، ة، لة» ندارند، غالباً مذکرند.

 الرَّجُلُ: مرد / الأبن: پسر / التلميذ: دانش‌آموز / الشجر: درخت / الجبل: کوه / الصف: کلاس / البيت: خانه

اسم مؤنث: اسمی است که بر جنس ماده دلالت می‌کند. اسم‌های غیرانسان که نشانه‌ی «ة، ة» دارند نیز مؤنث به شمار می‌آیند.

المراة: زن / البنت: دختر / التلميذة: دانش‌آموز / الشجرة: درخت / اللوحة: تابلو / الحديقة: باغ

مفرد، مثنی و جمع

مفرد: اسمی که نشانگر یک فرد یا یک چیز است.

الوالد: پسر / الگرسى: صندلی / الطفل: کودک / التافذة: پنجره / القرية: روستا / الحقيبة: کیف

مثنی: اسمی است که بر دو فرد یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد: «ان» و «ین».

«الطالبان، الطالبین: دو دانش‌آموز» «الطائران، الطائرتین: دو هواپیما»

جمع: اسمی است که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و عبارت است از:

جمع مذکر سالم: هرگاه به آخر اسم مفرد مذکر «ون» یا «ین» بیفزاییم، جمع مذکر سالم به دست می‌آید.

صادقون، صادقین / مسرورون، مسرورین / مسرورون، مسرورین

جمع مؤنث سالم: هرگاه به آخر اسم مفرد مؤنث «ات» اضافه کنیم، جمع مؤنث سالم ساخته می‌شود.

طالبات / طالبات / مَدْرَسَة / مَدْرَسَات / فائزات / فائزات

جمع مکسر: جمع برخی از اسم‌ها مکسر (شکسته) است؛ یعنی شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند.

طالب، طلاب / مفتاح، مفاتح / كتاب، کُتُب / طفل، أطفال / عبئة، عبء / رجل، رجال

اسم‌های اشاره

«هَذَا: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مذکر» است.	مفرد
«ذَلِكَ: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مذکر» است.	
«هَذِهِ: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مؤنث» است.	
«تِلْكَ: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مؤنث» است.	
«هَذَانِ: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مذکر» است.	مثنی
«هَاتَانِ: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مؤنث» است.	
«هَؤُلَاءِ: این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.	جمع
«أُولَئِكَ: آن‌ها، آن» اسم اشاره به دور برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.	

ذَلِكَ، بستان جميل. آن، باغی زیباست.

هَذَا الرَّجُلُ، طبيب ناجح. این مرد، پزشکی موفق است.

تِلْكَ العُرْفَةُ، نظيفة. آن اتاق، پاکیزه است.

هَذِهِ نافذة خشبية. این، پنجره‌ای چوبی است.

هَاتَانِ اللّوحتان، غاليتان. این دو تابلو، گران هستند.

هَذَانِ، طالبان مسروران. این‌ها دو دانش‌آموز خوشحال هستند.

أولئك، نساء مجاهدات. آن‌ها، زنانی رزمنده‌اند.

هؤلاء الأبناء، رياضيون. این پسران، ورزشکار هستند.

کلمات پریشنی

«هل و أ: آیا» در پاسخ مثبت به آن‌ها «نعم» به معنای «بله» و در جواب منفی «لا» به معنای «نه، خیر» را به کار می‌بریم.

هَلْ كَتَبْتَ وَاجِبَاتِكَ أُمْسٍ؟ آیا دیروز تکالیفت را نوشتی؟

نَعَمْ؛ كَتَبْتُ وَاجِبَاتِي أُمْسٍ. بله دیروز تکالیفم را نوشتم. / لَا؛ مَا كَتَبْتُ وَاجِبَاتِي أُمْسٍ. خیر دیروز تکالیفم را ننوشتم.

● **فرق «هل» و «أ»:** ← حرف «هل» را فقط در جمله‌های مثبت و حرف «أ» را در جمله‌های مثبت و منفی به کار می‌بریم.

هَلْ اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت کردی؟ (درست)

هَلْ مَا اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت نکردی؟ (نادرست)

أَسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت کردی؟ (درست)

أَ مَا اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت نکردی؟ (درست)

● **«مَنْ»: چه کسی؟ چه کسانی؟** ← کلمه‌ی پرسشی «مَنْ» برای پرسش از شغل یا نام افراد به کار می‌رود.

مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُمَرِّضٌ. او کیست؟ - او پرستار است. / مَنْ أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ لِاعِيتَانِ. شما کیستید؟ - ما بازیکن هستیم.

● **«لِمَنْ»: مال چه کسی؟ مال چه کسانی؟** ← کلمه‌ی «لِمَنْ» برای پرسش از مالکیت اشیا به کار می‌رود، در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی

می‌توانیم با «لِ» به معنای «مال، برای» شروع کنیم؛ مانند: لِمَنْ هَذِهِ السِّيَّارَةُ؟ - لِمُحَمَّدٍ. این خودرو از آن (مال) کیست؟ - مال محمد.

● **«ما»: چه، چه چیز، چیست** ← برای پرسش درباره‌ی چیزهای گوناگون به کار می‌رود.

ما هَذِهِ؟ - هَذِهِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ. این چیست؟ - این جایزه‌ی طلائی است. / ما ذَلِكَ؟ ذَلِكَ مِفْتَاحٌ. آن چیست؟ - آن کلید است.

کلمه‌ی پرسشی «ما» به شکل «ماذا: چه چیز»، «ما هُوَ: چیست» و «ما هِيَ: چیست» نیز به کار می‌رود؛

ماذَا عَلَى الْمِنْضَةِ؟ - كِتَابٌ كَبِيرٌ. روی میز چیست؟ - کتابی بزرگ / ما هُوَ شِغْلُ نَاصِرٍ؟ - بَيْعُ الْكُتُبِ. شغل ناصر چیست؟ - کتاب فروشی

● **«أَيْنَ»: کجا** ← کلمه‌ی پرسشی «أَيْنَ» برای سؤال در مورد مکان به کار می‌رود. در پاسخ به آن از کلمات «فِي: در / عَلَى: بر، روی / تَحْتِ: زیر / أَمَامَ: روبه‌رو / خَلْفَ: وراء: پشت / جَنْبَ: کنار / عِنْدَ: نزد / حَوْلَ: اطراف / فَوْقَ: بالای، روی / بَيْنَ: میان / هُنَا: این‌جا / هُنَاكَ: آن‌جا / عَلَى اليمين: سمت راست / عَلَى اليسار: سمت چپ» استفاده می‌شود؛ مانند: أَيْنَ الْبَقْرَةُ؟ - خَلْفَ الشَّجَرَةِ. گاو ماده کجاست؟ پشت درخت. / أَيْنَ قَلْمُكَ؟

عَلَى الْمِنْضَةِ. قلمت کجاست؟ - روی میز.

● **«مِنْ أَيْنَ»: هر گاه بخواهیم از کسی بپرسیم «اهل کجا هستی» از «مِنْ أَيْنَ» استفاده می‌کنیم؛**

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا إِيرَانِيٌّ. تو اهل کجا هستی؟ - من ایرانی هستم.

مِنْ أَيْنَ أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ مِنْ لِبْنَانِ. شما اهل کجا هستید؟ - ما لبنانی هستیم.

● **«كَمْ»: چند، چقدر** ← در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی از اعداد اصلی بهره می‌گیریم؛

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - تِسْعَةٌ طَلَّابٍ. چند دانش‌آموز داخل کلاس هستند؟ - نه دانش‌آموز.

كَمْ قَلَمًا عِنْدَكَ؟ - عِنْدِي أَحَدٌ عَشَرَ قَلَمًا. چند قلم داری؟ - یازده قلم دارم.

● **«لِمَاذَا»: برای چه؟** ← از «لِمَاذَا» برای پرسش از علت انجام کار استفاده می‌شود.

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای این‌که» یا «لِ: برای» شروع کنیم؛

لِمَاذَا مَا جَاءَ صَدِيقُكَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ - لِأَنَّهُ كَانَ مَرِيضًا. چرا دوستت به مدرسه نیامد؟ - زیرا او مریض بود.

لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى السُّوقِ؟ - لِشِرَاءِ الْقَمِيصِ. برای چه به بازار رفتی؟ - برای خریدن پیراهن.

● «مَتَى»: چه وقت؟ چه موقع؟

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «مَتَى» کلمات زیر می‌آیند که بر زمان دلالت دارند:

«الْيَوْم: امروز / أَمْسٍ: دیروز / غَد: فردا / صَبَاح: صبح / لَيْل: شب / نَهَار: روز / قَبْلَ سَنَتَيْنِ: دو سال پیش / مَسَاء: شب، بعدازظهر / فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي: در ماه گذشته / فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ: در هفته‌ی آینده / ...»

مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - قبل یومین. 

مَتَى تَبْدَأُ الْإِمْتِحَانَ؟ - في شهر خرداد. 

فن ترجمه

۱. هرگاه اسم بعد از اشاره بدون «ال» بیاید، آن اسم اشاره طبق صیغه‌ی خود ترجمه می‌شود.


هَذَا طَالِبٌ (این دانش آموز است). 

هؤُلاءِ طَلَّابٌ. (این‌ها دانشجو هستند).

۲. هرگاه اسم بعد از اشاره همراه «ال» باشد، آن اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

هؤُلاءِ الطَّلَّابُ مُجْتَهِدُونَ. (این دانش آموزان، کوشا هستند). 

۳. در جمله‌هایی که فعل مفرد به کار رفته در حالی که فاعل (انجام دهنده‌ی) آن، اسم مثنی یا جمع باشد، فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود.

يَخْرُجُ اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمَسَابِقَةِ. دو بازیکن از میدان مسابقه بیرون رفتند. 


رَجَعَتْ أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. خواهرانم از خانه‌ی پدر بزرگم برگشتند.

۴. گاهی کلمه‌ی «عِنْدَ: نزد» یا «لِ: برای» برای مالکیت به کار می‌روند.

﴿لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ خدا نام‌های نیکو دارد. 

عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ. خانه‌ی بزرگی دارید.

۵. فعل «كَانَ» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی می‌شود.

كَانَ التَّلْمِيذُ يَكْتُبُ واجباته في المكتبة. دانش آموز تکالیفش را در کتابخانه می‌نوشت. 

كَانَ طَلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ في المكتبة. دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خواندند.

السَّائِقُ كَانَ يَسْتَعْمِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهْرِ. راننده از صبح تا ظهر کار می‌کرد.

الأعداد

الأعدادُ الْأَصْلِيَّةُ	واحد	إثنان	ثلاثة	أربعة	خمس	ستة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحد عشر	إثنا عشر
الأعدادُ التَّرْتِيبِيَّةُ	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

أيام الأسبوع

السَّبْت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة
شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَالْثَامِنِ وَالْتَّاسِعِ

الف عَيِّن تَرْجِمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

- | | | | |
|-----------|-------------------|---|--|
| ابر | باران | ١ | الغَيْمُ بِمَعْنَى السَّحَابِ. |
| یاری کردن | آشنایی با همدیگر | ٢ | التَّعَارُفُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدِينَةِ. |
| برگها | شاخه‌ها | ٣ | عُصُوفٌ هَذِهِ الشَّجَرَةِ جَمِيلَةٌ. |
| ستاره‌ها | اخگر (پاره‌ی آتش) | ٤ | الشَّرَرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. |
| تاریکی | روشنایی | ٥ | ضِيَاءُ الْقَمَرِ مِنَ الشَّمْسِ. |
| دارای | ندارد | ٦ | حَدِّبْتُنَا ذَاتَ الْأَشْجَارِ الْمُخْتَلِفَةِ. |
| پژمرده | تروتازه | ٧ | أوراقٌ هَذِهِ الشَّجَرَةِ نَصْرَةٌ. |
| پراکندگی | پاره‌ی آتش | ٨ | الشَّمْسُ جَذُوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ. |
| ریزان | فروزان | ٩ | أَنْعَمَ اللَّهُ مِنْهُمْ رِيًّا دَائِمًا. |

ب كَمِّلِ التَّرْجِمَةَ.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ: أَنْ، هِمَانِ خَدَايَا.

- | | |
|--|---|
| به آن درخت دارای تر و تازه | أَنْظُرُ لِنَبْتِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُوفِ النَّصْرَةَ |
| چگونه از دانه‌ای؟ و چگونه درختی | كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً |
| جست‌وجو کن و بگو چه کسی را از آن | فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ |
| و به خورشیدی که آن است بنگر. | وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذُوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ |
| در آن هست و با آن گرمای هست. | فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ |
| چه کسی آن را در هوا مانند؟ | مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ |
| آن همان خدایی است که نعمت‌هایش است. | ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رِيًّا |
| دارای دانش و نیروی | ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ |
| به شب نگاه کن؛ چه کسی را در آن | أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ |
| و آن را با ستارگانی مانند پراکنده، زینت داد. | وَ زَانَهُ بِالنَّجْمِ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ |
| و به نگاه کن؛ چه کسی بارانش را از آن | وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ |

ج عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (✓) (✗)

۱) الْقَيْمُ بُخَازَ فِي الْجَوِّ لَيْسَ فِيهِ مَطَرٌ. ۲) لَيْسَتْ عُصُونَ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ نَضْرَةً.

۳) الشَّمْسُ مِنْ أَكْظَمِ الْكُرَاتِ وَحَرَارَتُهَا تَنْتَشِرُ فِي الْعَالَمِ. ۴) ضِيَاءُ الْقَمَرِ مِنَ الْأَرْضِ وَضِيَاءُ الْأَرْضِ مِنَ الشَّمْسِ.

در کتاب هفتم و هشتم و نهم با انواع فعل‌های عربی و فارسی و ساختار آن‌ها آشنا شدیم؛ یک بار دیگر با مرور پیش‌آموخته‌ها، خود را می‌آزماییم.

اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ أَكْمِلِ التَّرْجَمَةَ.

جواز: گفت و گو

التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ: در نجف اشرف.

زائر مَرَقِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زائر مرقد امیر مؤمنان علی علیه السلام	أَحَدُ الْمُؤَظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ: یکی از کارمندان در فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ: سلام بر شما.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي: ای برادرم، صبح به خیر.	صَبَاحَ النَّوْرِ وَالسُّرُورِ: صبح و شادی به خیر.
كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چگونه است؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم و تو؟
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. الحمد لله، خوبم.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ببخشید، اهل کجایی؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. من از جمهوری اسلامی ایران هستم.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم بزرگوارت چیست؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم حسین است و اسم شریف شما چیست؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. اسم عبدالرحمان است.
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ آیا تاکنون به ایران مسافرت کردی؟	لَا، مَعَ الْأَسْفِ، لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. نه ولی من دوست دارم که
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ: اگر خدا بخواهد، به ایران مسافرت می‌کنی.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ. اگر خدا بخواهد؛؛ به سلامت.
فِي أَمَانِ اللَّهِ. خداحافظ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. ای دوستم، خداحافظ و در پناه او.

تعارف: آشنایی / مطار: فرودگاه / قاعة: سالن / مع الأسف: متأسفانه / أن أسافر: که سفر کنم

التمرين

التمرين الأول الف صغ هذه الجمال و التراكيب في مكانها المناسب.

هؤلاء الصادقون / هاتان المرأتان / هؤلاء التلاميذ / هذان المفتاحان / أولئك المدرسات / تلك الشجرة

مفرد مؤنث / مثنى مذکر / مثنى مؤنث / جمع مذکر سالم / جمع مؤنث سالم / جمع مكسر

.....

ب) أَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

أَلْكَمَات	أَلْوَزْن	أَلْحُرُوفُ الْأَصْلِيَّةِ
سَامِعٌ، مَسْمُوعٌ، سَمِيعٌ / /
سَجَادٌ، سُجُودٌ، مَسْجِدٌ / /
تَحْسِينٌ، إِحْسَانٌ، أَحْسَنٌ / /

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي | عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.

- | | | | | |
|---|------------|-----------|-------------|-------------|
| ١ | تُقَاحٌ | زَمَانٌ | مِشْمِشٌ | حَشَبٌ |
| ٢ | مَطْعَمٌ | مَضْعٌ | مَوْضِعٌ | مُسْتَشْفَى |
| ٣ | الْفَرِيقُ | الشَّمْسُ | الْكَوْكَبُ | القَمَرُ |
| ٤ | الْعَمُودُ | المَطَرُ | الغَيْمُ | الرَّيْحُ |
| ٥ | كَيْفٌ | مَتَى | جَنْبٌ | أَيْنَ |
| ٦ | مَطَارٌ | مُمَرِّضٌ | مُؤَوِّظٌ | طَيَّارٌ |
| ٧ | عُضْفُورٌ | حَمَامَةٌ | فَاكِهَةٌ | عُرَابٌ |

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ | صَخِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- | | | | |
|---|--------------|-----------------------|--|
| ١ | الدُّخَانُ | <input type="radio"/> | نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الحَشَبِ وَ غَيْرِهِ. |
| ٢ | الْجَامِعَةُ | <input type="radio"/> | الشَّيْءُ الَّذِي يَضَعُدُ مِنَ النَّارِ. |
| ٣ | النَّازُ | <input type="radio"/> | مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. |
| ٤ | الشَّرَزَةُ | <input type="radio"/> | بُخَارٌ مَتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ المَطَرُ. |
| ٥ | الدَّرَزُ | <input type="radio"/> | قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. |
| ٦ | الغَيْمُ | <input type="radio"/> | كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ. |
| ٧ | الضَّاعِقَةُ | <input type="radio"/> | |

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ

الف) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظًّا.

- | | |
|---|--|
| ١ | الدَّرَزُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. |
| ٢ | أَوْجَدَ اللَّهُ الشَّمْسَ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ. |
| ٣ | ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ. |
| ٤ | قُلٌّ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ التَّمْرَةَ مِنَ الْأَشْجَارِ. |

ب تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

- ۱ ما كَتَبْنَا وَاجِبَاتِنَا. ۲ سَوْفَ نَخْرُجُ مِنَ الْقَاعَةِ.
- ۳ سَيَشْرَبُونَ شَايًا. ۴ عَرَفُوا ذَلِكَ الرَّجُلَ.
- ۵ اَلْعَبُوا كُرَّةَ الْقَدَمِ. ۶ لَا تَشْرَبِي هَذَا الْمَاءَ.
- ۷ يُسَاعِدُونَ الْآخَرِينَ. ۸ كَتَبَنَ الْوَأَجِبَاتِ بِدِقَّةٍ.
- ۹ كَانَ يَكْتُبُ دَرَسَهُ. ۱۰ لَا يَقْبَلُ الْبَاطِلَ.
- ۱۱ لَا أَجْلِسُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. ۱۲ هِيَ مَا نَجَحَتْ فِي الْإِمْتِحَانِ.
- ۱۳ أَبْدَأُ دَرْسِي بِاسْمِ اللَّهِ. ۱۴ اِزْجِعَا إِلَى الْبَيْتِ.

ج عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ۱ ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
الف) و در خلقت آسمان و زمین فکر می کنند و امی گویند [پروردگارا، این را بیهوده نیافریدی.
ب) و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و امی گویند [پروردگارا، این ها را بیهوده نیافریدی.
- ۲ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾
الف) ستایش از آن خدایی است که آفریننده ی آسمان ها و زمین است و تاریکی و نور را قرار داد.
ب) ستایش از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفریده است و تاریکی ها و روشنایی را قرار داد.
- ۳ ﴿وَأَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي حَذُوتُهَا مُسْتَعْرَةً﴾
الف) و به خورشیدی که پاره ی آتش آن فروزان است بنگر.
ب) و به خورشیدی می نگرم که پاره ی آتش آن فروزان است.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف أَجِبْ جَوَابًا قَصِيرًا عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

- ۱ مَنْ أَنْتَ؟ ۲ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
- ۳ كَيْفَ حَالُكَ؟ ۴ مَا اسْمُكَ؟
- ۵ أَيْنَ بَيْتُكَ؟ ۶ كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟

ب عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ۱ لِمَاذَا تَذْهَبُ (تَذْهَبِينَ) إِلَى الْمَكْتَبَةِ؟ لِبُشْرَاءِ الْكُتُبِ لِمَطَالَعَةِ الْكُتُبِ
- ۲ مَتَى يَبْتَدِئُ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ فِي إِيرَانَ؟ فِي الْخَرِيفِ فِي الرَّبِيعِ
- ۳ بِمِمْ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ؟ بِالطَّائِرَةِ مَعَ أُسْرَتِهِمْ
- ۴ مَا هُوَ الشَّهْرُ الْخَامِسُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟ مُرْدَادَ شَهْرِيور

ج رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سؤَالاً وَ جَوَاباً.

- ١ سافرتُ / لا: مَعَ الْأَسْفِ / حَتَّى الْآنَ / إِلَى الْإِيرَانِ / هَلْ . / ؟
- ٢ صُفُوفٍ / كَمْ / سِتَّةٌ / فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ / صَفًّا . / ؟
- ٣ صَدِيقَكَ / فِي / شَاهَدْتُ / قَاعَةِ الْمَطَارِ / أَيْنَ . / ؟

د عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١ كَمْ السَّاعَةُ؟

الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً.

الثَّامِنَةُ وَ الرَّبْعُ.



٢ ماذا تَفْعَلُ هَذِهِ الْبِنْتُ؟

هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبَهَا.

هِيَ تَقْرَأُ الْقِصَّةَ.



الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.

- ١ هُوَ اللَّهُ الَّذِي الثَّمَرَاتِ مِنَ الْأَشْجَارِ.
- ٢ يَا زَمِيلَتِي، إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ بِدِقَّةٍ.
- ٣ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّكُمْ.
- ٤ نَحْنُ إِلَى بُسْتَانٍ قَبْلَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.
- ٥ الْمُسْلِمُونَ مِنَ الْقُرْآنِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً.
- ٦ هُوَ لِإِذَا الْفَلَاحُونَ مَحْصُولِ الْمَرْزَعَةِ أَمْسٍ.
- ٧ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَنَا أَنْعَمًا مِنْهُمْ.
- ٨ نَحْنُ إِلَى بِلَادِنَا فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ.
- ٩ يَا بَنَاتِ، مِنَ جَلِيسَاتِ السَّوَاءِ.

يُخْرِجُ يَعْلَمُ

أَنْظُرُ أَنْظُرِي

إِعْلَمُوا إِعْلَمُ

سَنَذْهَبُ ذَهَبْنَا

تَعَلَّمُوا تَعَلَّمُ

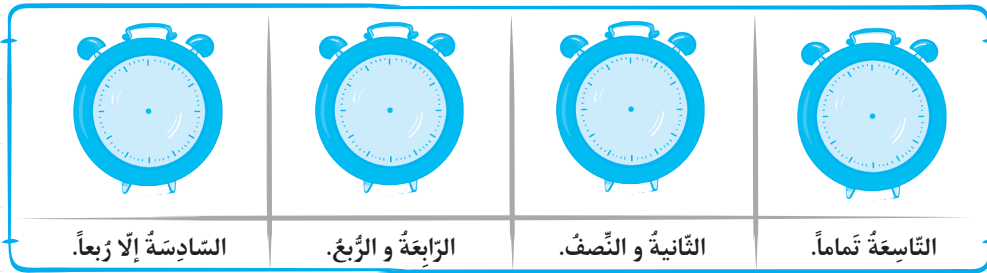
مَا حَصَدَا حَصَدُوا

سَاعَدَ أَوْجَدَ

رَجَعْنَا سَنَرْجِعُ

أَهْرَبِي أَهْرُبُنَ

الْتَّمْرِينُ السَّابِعُ أَرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَةِ.



الْتَّمْرِينُ الثَّامِنُ اَلْفِ اكْتُبْ مُتَرَادِفَ أَوْ مُتَضَادَّ كُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

نور / سَكَتَ / حَبِيبٍ / قُبْحٍ / حَزْبٍ / شُغْلٍ / مَسْرُورٍ / مُجْتَهِدٍ / شِرَاءٍ / إِسْتَلَمَ / كَوَاكِبٍ / جُلُوسٍ

- | | | | |
|------------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> قِيَامٍ | <input type="checkbox"/> دَفَعٌ | <input type="checkbox"/> مِهْنَةٌ | <input type="checkbox"/> ضِيَاءٌ |
| <input type="checkbox"/> مُجِدِّ | <input type="checkbox"/> حَزِينٍ | <input type="checkbox"/> حُسْنٍ | <input type="checkbox"/> صَدِيقٍ |
| <input type="checkbox"/> تَكَلَّمَ | <input type="checkbox"/> صُلْحٍ | <input type="checkbox"/> بَيْعٍ | <input type="checkbox"/> أَنْجُمٍ |

ب عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ.

صَعْبٌ / بَغْتَةٌ / كَتَمَ / صُعُودٌ / حَيَاةٌ / سَهْلٌ / مَمْنُوعٌ / جَمِيلٌ / نُزُولٌ / سَتَرَ / مَسْمُوحٌ / قَبِيحٌ / فَجْأَةً / رَقَدَ / عَيْشٌ / نَامٌ

<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>
<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>
<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>
<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>

التَّمرِينُ التَّاسِعُ | صُغِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

الْحَمِيسِ / الْعِشَاءِ / الْأَصْلِيَّةِ / أْبْيَضُ / السَّنَةِ / اللِّسَانِ / الصَّحِيفَةِ / التَّرْتِيبِيَّةِ / وَجْهِ / الْجَزَرَ

- ١ تَبَدُّأُ وَالِدَتِي يَوْمَهَا بِقِرَاءَةٍ دَائِمًا.
- ٢ اَلدُّمُوعُ جَارِيَةٌ عَلَيَّ الطِّفْلَةِ.
- ٣ فُصُولٌ أَرْبَعَةٌ وَ أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ سَبْعَةٌ.
- ٤ «التَّالِثُ» مِنَ الْأَعْدَادِ
- ٥ لَوْنُ الْغُرَابِ أَسْوَدٌ وَ لَوْنُ السَّحَابِ
- ٦ نَحْنُ نَأْكُلُ فِي اللَّيْلِ.
- ٧ إِنْ مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعَيْونِ.
- ٨ اَلْيَوْمُ السَّادِسُ فِي الْأُسْبُوعِ يَوْمٌ
- ٩ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ
- ١٠ أَحَدَ عَشَرَ مِنَ الْأَعْدَادِ

التَّمرِينُ الْعَاشِرُ | عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (X) (✓)

- ١ يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً فِضِيَّةً.
- ٢ اَلْكَهْرَبَاءُ طَاقَةٌ تَشْتَغِلُ بِهَا الْأَلَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ.
- ٣ «أَوْلَيْكَ» إِسْمٌ إِشَارَةٌ لِلْجَمَاعَةِ الْقَرِيبَةِ مِنَّا.
- ٤ اَلْمَطْعَمُ مَكَانٌ نَأْكُلُ فِيهِ الْفُطُورَ وَ الْغَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ.
- ٥ اَلْمِلْفُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْأُورَاقِ الْإِدَارِيَّةِ.
- ٦ قَاطِعُ الرَّجْمِ هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ لِيَزَارَةَ أَقْرَبَائِهِ.

التَّمرِينُ الْحَادِي عَشَرَ | اَكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا.

- ١ ﴿لَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾
- ٢ ﴿إِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾
- ٣ ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ...﴾
- ٤ سَوْفَ نَكْتُبُ وَاجِبَاتِنَا.
- ٥ اَلْعَدُوُّ لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ.
- ٦ اَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ.
- ٧ اَللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.
- ٨ أَيُّهَا الْأَوْلَادُ، لَا تَدْخُلُوا.
- ٩ لِمَاذَا مَا لَيْسْتُمْ مَلَائِكَةً؟

التَّمْرِينُ الثَّانِي عَشَرَ | ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً.

- ١ أولئك، لآعبون فآفزون في المسآبقة.
- ٢ آليوم الثآني من آيام الآسبوع يوم
- ٣ هذآ الشجرة نمت من وآ صارت شجرة.
- ٤ لون البحر وآ لون الشجر آخضر.
- ٥ الآشجار في فصل الربيع ذات العصون
- ٦ الفصل في السنة الإيرانية فصل الصيف.
- ٧ وآ انظر آلى الشمس التي جذوتها

التَّمْرِينُ الثآلث عَشَرَ | أكتب مفرد الآسماء الآآلية.

- ١ أقمار: ٢ آواسيب: ٣ تلاميذ: ٤ آسان:
- ٥ أنجم: ٦ آقآب: ٧ زملاء: ٨ جنود:
- ٩ آباء: ١٠ آسابع: ١١ أنعم: ١٢ آدآق:
- ١٣ آباء: ١٤ عصون: ١٥ آوائج: ١٦ ذنوب:
- ١٧ بضائع: ١٨ تمآيل: ١٩ آقرباء: ٢٠ شوارع:

ب أكتب جمع الآسماء الآآلية.

- ١ فندق: ٢ مخزن: ٣ فريق: ٤ مصباح:
- ٥ عرفة: ٦ صيف: ٧ قافلة: ٨ حجر:
- ٩ طعام: ١٠ كرسي: ١١ فآكهة: ١٢ مريض:
- ١٣ مفتاح: ١٤ خزانة: ١٥ دز: ١٦ وزق:
- ١٧ رسالة: ١٨ صديق: ١٩ مهنة: ٢٠ ولي:

التَّمْرِينُ الرآبع عَشَرَ | ترجم الجمل الآآلية آلى الفآرسية.

- ١ آقمز كوكب يدور آول الأرض ضباؤه من الشمس.
- ٢ آدرز من الآجار العآلية ذات اللون الآبيض.
- ٣ لتلك الشجرة ذات العصون التصرة.
- ٤ هو الله الذي أنعمه منهمة.
- ٥ آعيم بخار متراكم ينزل منه المطر.
- ٦ السررة قطعته من النار.
- ٧ إنحت في المكتبة عن نص قصير آول عظمة مخلوقات الله.
- ٨ شاهدت مدرسي في قاعة المطار قبل أسبوع.

التَّمرينُ الخَامِسُ عَشَرَ | صَغ في الفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرْجِمُ الجُمْلَةَ إِلَى الفَارِسِيَّةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

المَاءُ / مَنْ / المَخْزَنُ / الجَزَرُ / مَمَرُ المَشَاةِ / السَّفِينَةُ

(هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ...)

- ١ مَسَاحَةٌ بَيْنَ الرَّصِيفَيْنِ مَعَ الخُطُوطِ الوَاضِحَةِ لِمَرُورِ النَّاسِ؟
- ٢ يَلْعَبُ دَوْرَ (نَقْشِ) كَبِيرٍ فِي المَحَافِظَةِ عَلَى دَرَجَةِ الحَرَارَةِ وَ نُمُو النِّبَاتَاتِ؟
- ٣ مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ العَيُونِ؟
- ٤ آمَنَ بِاللَّهِ وَ اليَوْمِ الآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ؟

التَّمرينُ السَّادِسُ عَشَرَ | اقْرَأ النِّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الخَطَأَ حَسَبِ النَّصِّ. (✓) (✗)

حَامِدٌ وَ لَدَّ ذِكِّي وَ هُوَ فِي الخَامِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ العُمُرِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ اشْتَرَى وَالدَّهَ حَاسِباً لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالدُّخُولِ فِي الإِنْتَرْنِتِ فِي أَوَاقِيتِ الفَرَاغِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالدَّهَ وَ وَالدَّئِثَةَ لِمُهَمَّةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ يَوْمَيْنِ. جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي اليَوْمِ التَّالِيِ نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلا رُبْعاً. كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ.

- ١ جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَتَيْنِ.
- ٢ سَافَرَ وَالدَّهَ وَ وَالدَّئِثَةَ لِمُهَمَّةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ شَهْرَيْنِ.
- ٣ اشْتَرَى وَالدَّ حَامِدٌ حَاسِباً لَهُ.
- ٤ كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ فِي اليَوْمِ التَّالِيِ.

ارزشیابی تکوینی درس اول

الف - مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)	
۱	<p>تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.</p> <p>۱- أَنْظُرْ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ</p> <p>۲- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ لَهُ</p> <p>۳- كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَلْعَبُ وَخَدَّهُ فِي عُرْفَتِهِ.</p> <p>۴- إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا.</p> <p>۵- عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟</p> <p>۶- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ</p>
۰/۵	<p>۲</p> <p>إِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾</p> <p>الف) ستایش از آن خدایی است که آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین است و تاریکی و نور را قرار داد.</p> <p>ب) ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و تاریکی و روشنایی را قرار داد.</p> <p>۲- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ.</p> <p>الف) این کیست که آن را در هوا مانند پاره‌ی آتش پدید آورده است؟</p> <p>ب) این کسی است که آن را در هوا مانند اخگر پدید می‌آورد.</p>
۱/۵	<p>۳</p> <p>كَمَّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>۱- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّمْرَةَ</p> <p>جست‌وجو کن و بگو میوه را از آن</p> <p>۲- هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ؟ لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ لِكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.</p> <p>آیا به ایران سفر کردی؟ نه، ولی دوست دارم که</p> <p>۳- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُوْرُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.</p> <p>ماه سیاره‌ای است که به دور زمین ؛ از خورشید است.</p>
ب - مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره)	
۰/۵	<p>۴</p> <p>عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»</p> <p>الموت / الجذوة / اللوحدة / الشَّرَرَه / الحُسن / الجماعة</p> <p>۱- <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/></p> <p>۲- <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/></p>

۵	ترجم الکلمات التي تحتها خطاً. أحد الموظَّفين في قاعة المطار.	٥/٥
٦	عيّن الكلمة الغريبة في المعنى.	٥/٥
	١- مُتَحَفٌ مُمَرَّضَةٌ مَضْنَعٌ مَطْبَعَةٌ ٢- أُسْبُوعٌ شَهْرٌ سَنَةٌ سَاحَةٌ	
٧	أكتب مفرداً أو جمع الكلمتين.	٥/٥
	١- مَطَرٌ: ٢- مِهْنٌ:	
ج - مهارة شناخت و کاربرد قواعد (٥/٧ نمره)		
٨	ترجم الكلمات التي تحتها خطاً.	٣
	١- شَرِبْتُ الْمَاءَ. ٢- زَجَاءٌ، أَكْتُبُوا. ٣- لَا يَسْمَعُ جَيْدًا. ٤- كَانَ يَصْنَعُ. ٥- مَا سَمِعْنَا صَوْتًا. ٦- سَأَكْتُبُ دَرْسِي. ٧- تَعَلَّمُ اللُّغَةَ. ٨- يَرْفَعُ الْعِلْمَ. ٩- سَوْفَ يَأْخُذُ جَائِزَةً. ١٠- إِزْجِعْ إِلَى هُنَا. ١١- قَطَعْتُمْ حَسْبًا. ١٢- لَا تَكْذِبْ أَبَدًا.	
٩	ضع في الفراغ فعلاً مناسباً.	١
	١- يَا أَيُّهَا الطَّلَابُ، بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. ٢- قَالَ الْفَلَّاحُ لِأَخِيهِ: مِنْ مَرَزَعَتِي. ٣- أُولَئِكَ التَّلْمِيذَاتُ مِنَ الْمَسَابِقَةِ أَمْسٍ. ٤- كَانَ طُلَابُ الْجَامِعَةِ لا تَضْحَكُوا لا تَضْحَكُ أُخْرِجِي أَخْرَجُ سَيَزِجَنَّ زَجَعَنَّ يَذْرُسُونَ يَذْرُسُ	
١٥	عيّن نوع الفعل في كل عبارة.	٥/٥
	١- أَكْتُبُوا واجباتكم. ٢- سَأَكْتُبُ دَرْسِي.	
١١	اجعل كل فعل في مكانه المناسب. «كلمتان زائدتان».	١
	أَخْرَجَنَّ / عَبَّرْتُمْ / مَا سَأَلْتُ / لَا تَزْرَعُونَ / لَا تَلْعَبِي / أَكْتُبُ	
	ماضي منفي مضارع منفي امر نهى	
	
١٢	عيّن الكلمة التي يختلف نوعها في كل مجموعة.	٥/٥
	١- إِزْحَمُوا أَخَذُوا أَكْتُبُوا إِسْمَعُوا ٢- يَصْنَعُ نَعْتِمِدُ نَخْرُجُ نَصْرُنُ	

١٣	أرسم عقارب الساعة. ١- التَّاسِعَةُ وَالرُّبْعُ. ٢- الْعَاشِرَةُ وَالنِّصْفُ.		٠/٥
١٤	صغ هذه الجملة و التراكيب في مكانها المناسب. «إثنان زائدان» هُمَا لِاعْبَانٍ / ذَلِكَ الْمُدْرَسُ / هِيَ تَلْمِيذَةٌ / هُوَ لِأَجْمَلِ الْمُجْتَهِدُونَ / هَاتَانِ الْبُنْتَانِ / هُنَّ مَسْرُورَاتٌ	مفرد مؤنث جمع مؤنث سالم مثنى مذکر جمع مذکر سالم	١
د - مهارة درك و فهم (٢ نمره)			
١٥	صغ في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة». ١- الصَّوْمُ ٢- الصَّحِيفَةُ ٣- الصَّاعِقَةُ ٤- الرَّمِيْلُ ٥- الْفُسْتَانُ	<input type="radio"/> كَهْرَبَاءُ تُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ. <input type="radio"/> مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. <input type="radio"/> الصَّدِيقُ الَّذِي مَعَنَا فِي صَفٍّ وَاحِدٍ. <input type="radio"/> الْإِمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ لِأَدَاءِ فَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ.	١
١٦	عين الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع. (✓ ✗) ١- الشَّرْرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ الظُّلْمَةِ. ٢- الْعَيْمُ بَحَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. ٣- الْمُتَحَفُّ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. ٤- الرَّاسِبُ يَعْنِي الطَّالِبَ الْمُنَالِيَّ.	<input checked="" type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	١
ه - مهارة مكالمه (١/٥ نمره)			
١٧	أجب عن السؤالين التاليين. ١- بِمِ تَسَافِرُ (تُسَافِرِينَ) إِلَى مَشْهَدٍ؟ ٢- كَيْفَ الْجَوُّ فِي الصَّيْفِ؟	٠/٥
١٨	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً. ١- فِي الصَّفِّ / فِي أَيِّ صَفٍّ / الْعَاشِرِ / أَنْتَ / . / ؟ ٢- نَعَمْ، عِنْدِي / الْعَرَبِيُّ / عِنْدَكَ / الْمُعْجَمُ / هَلْ / . / ؟	١

سوالات چهارگزینه‌ای درس اول

۱- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْفَرَاغِ. «مَنْ أَنْزَلَ مِنْ مَطَرًا؟»

(۱) الْعَيْمِ (۲) الْمَاءِ (۳) الصَّاعِقَةَ (۴) الْبَيْثِرِ

۲- اجْعَلِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ فِي الْفَرَاغِ. «حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ.»

(۱) دَلِيلِ (۲) شُرْطِيَّ (۳) مَطَارِ (۴) قَاعَةَ

۳- عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ.

(۱) لَا تَكْتَبَا (۲) لَا تَرْسُمِي (۳) لَا تَحْرُسُونَ (۴) لَا تَأْكُلُ

۴- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: «كَانَتْ أُمِّي تَطْلُبُ مِنِّي دَائِمًا أَنْ أَكْتُبَ دُرُوسِي وَ أَعْمَلَ بِوَاجِبَاتِي الْمُدْرَسِيَّةِ.»

- (۱) مادرم همیشه از من خواسته بود که درس‌هایم را بنویسم و تکالیفم را در مدرسه انجام دهم.
- (۲) مادرم همیشه از من می‌خواست درس‌هایم را بنویسم و تکالیف مدرسه‌ام را انجام دهم.
- (۳) مادرم همیشه از من می‌خواهد که درس‌هایم را بنویسم و تکالیف مدرسه‌ام را انجام دهم.
- (۴) مادرم همیشه از من می‌خواست که درس‌هایم را بنویسم و تکالیفم را در مدرسه انجام دهم.

(تبریزی ۹۵)

۵- «العبرة بالأفعال وَ ليست بالأقوال.» عَيِّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

- (۱) گفتار بی‌کردار ضایع نماند.
- (۲) به عمل کار برآید به سخندانی نیست.
- (۳) دو صد گفته چون نیم کردار نیست / بزرگی سراسر به گفتار نیست
- (۴) جهان یادگار است و ما رفتنی / به مردم نماند جز از گفتنی

(ریاضی ۹۳)

۶- «مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَأِ.» عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْمَفْهُومِ.

- (۱) ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
- (۲) سخندان پرورده پیر کهن / بیندیشد آن‌گه بگوید سخن
- (۳) إِذَا نَمَّ الْعَقْلُ نَقَضَ الْكَلَامَ.
- (۴) سخن تا نپرسند لب بسته دار / گهر نشکنی تیشه آهسته دار

(انسانی ۸۱)

۷- عَيِّنِ الْخَطَأَ.

- (۱) أَنَا مُسْلِمَةٌ وَ أَنْتِ مُؤْمِنَةٌ.
- (۲) أَنْتِ مُعَلِّمَةٌ وَ أَنَا عَلِيمٌ.
- (۳) أَنْتِ نَشِيطٌ وَ أَنَا مُجْتَهِدَةٌ.
- (۴) نَحْنُ مُتَعَلِّمَةٌ وَ هِيَ مُعَلِّمَةٌ.

۸- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ.

(تبریزی ۹۵)

«خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ.»

- (۱) الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست.
- (۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن خلقت، آیتی است مؤمنان را.
- (۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنین است.
- (۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها به وسیله‌ی الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنین را.